

پیشگیری وضعی از خرید و فروش مواد مخدر؛ چالش ها و فرصت ها

شادی عظیم زاده (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

dr.shadiazimzadeh@iau.ac.ir

سهیل محمودی

کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Soheil.mahmoudi187@iau.ir

چکیده

ارتقای اثربخشی نظام کیفری در پیشگیری از خرید و فروش مواد مخدر یکی از چالش های اساسی حقوق کیفری ایران است؛ زیرا قانون مبارزه با مواد مخدر و قانون پیشگیری از وقوع جرم نتوانسته اند به طور مؤثر فرصت ارتکاب این جرایم را کاهش داده و عوامل محیطی جرم را کنترل کنند. این نارسایی، ضرورت پژوهش حاضر را آشکار می کند؛ زیرا که بهبود عملکرد نهادهای قضایی، اجرایی و کاهش آسیب های اجتماعی می تواند به تقویت عدالت کیفری و کارآمدی نظام حقوقی بینجامد. در این چارچوب، رویکرد پیشگیری وضعیت مدار با تأکید بر دشوارسازی ارتکاب جرم، محدودسازی دسترسی، اصلاح محیط های پرخطر و کاهش فرصت های مجرمانه مورد توجه است. پرسش اصلی آن است که تا چه حد در قانون مبارزه با مواد مخدر و قانون پیشگیری از وقوع جرم، به مؤلفه های پیشگیری وضعیت مدار از خرید و فروش مواد مخدر اکتفا شده است؟ هدف، ارائه چارچوبی برای ارزیابی جایگاه این رویکرد در قوانین مزبور است. از چالش های اصلی می توان به فقدان تقسیم کار روشن میان نهادها، نبود شاخص های ارزیابی عملکرد، ضعف هماهنگی سازمانی و کمبود نظارت مستمر اشاره کرد. در مقابل، فرصت هایی مانند امکان بازنگری یکپارچه قوانین بر پایه پیشگیری وضعیت مدار، تعیین دقیق مسئولیت دستگاه های اجرایی، طراحی شاخص های سنجش پذیر و ایجاد سازوکارهای نظارتی پایدار وجود دارد. پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و مطالعه کتابخانه ای انجام شده و نتایج نشان می دهد مؤلفه های پیشگیری وضعیت مدار در قوانین به خوبی انعکاس نیافته و بهره برداری هدفمند از ظرفیت های قانونی و نظارتی می تواند جایگاه این رویکرد و در نتیجه اثربخشی نظام پیشگیری از جرایم خرید و فروش مواد مخدر را به طور قابل توجهی ارتقا دهد.

کلیدواژگان: جرایم مواد مخدر، پیشگیری، پیشگیری وضعیت مدار، قوانین، چالش ها.

Situational Prevention of Buying and Selling Drugs; Challenges and Opportunities

Abstract

Enhancing the effectiveness of the criminal justice system in preventing the purchase and sale of narcotic drugs is a central challenge in Iran's criminal law. The Anti-Narcotics Law and the Law on the Prevention of Crime have not succeeded in meaningfully reducing opportunities for drug-related offenses or controlling criminogenic environmental factors. This gap demonstrates the necessity of the present study, as improving the performance of judicial and executive bodies and reducing social harms can strengthen criminal justice and increase legal system efficiency. Within this framework, situational crime prevention emphasizing the difficulty of committing offenses, restricting access, improving high-risk environments, and reducing criminal opportunities gains importance. The main research question concerns the extent to which these laws incorporate situational prevention components regarding the purchase and sale of narcotic drugs. The study aims to propose a framework for assessing the position of this approach within the relevant legislation. Major challenges include the absence of clear institutional division of responsibilities, lack of performance indicators, weak organizational coordination, and insufficient continuous oversight. Conversely, opportunities include the potential for integrated legislative revision based on situational prevention, clearer assignment of executive responsibilities, development of measurable evaluation criteria, and establishment of stable supervisory mechanisms. Using a descriptive-analytical method and library research, the findings indicate that situational prevention components are not adequately reflected in the laws, and that targeted use of legal and supervisory capacities can significantly enhance this approach and improve the effectiveness of preventing drug-related offenses.

Key Words: Drug crimes, Prevention, Situational Prevention, Rules, Challenges.

مقدمه

خرید و فروش مواد مخدر^۱ و سایر جرایم ناشی از آن، پدیده‌ای شوم و فراگیر در سطح جهان است که به دلایل متعدد، پیشگیری^۲ از وقوع آن نسبت به سایر اقدامات اولویت دارد. در چند دهه اخیر، تلاش‌های پژوهشی در مسیر مقابله و پیشگیری از جرایم مختلف مرتبط با مواد مخدر، عمدتاً بر شناسایی ساز و کارهای زیان‌بار این مواد متمرکز بوده است (Anghel et al., 2023: 2). این پدیده همچون سایه‌ای تیره بر جوامع گسترده شده و بنیان‌های فردی و اجتماعی را در معرض خطری جدی قرار می‌دهد. پیامدهای ویرانگر آن سلامت، امنیت و آرامش جامعه را تهدید کرده و ضرورت پیشگیری را به امری حیاتی بدل می‌سازد. مواد مخدر زنجیره‌ای از آسیب‌های پیوسته پدید می‌آورد که نسل جوان، به عنوان سرمایه اصلی هر جامعه، بیش از دیگران در معرض آن قرار دارد. از این رو، پیشگیری از خرید و فروش مواد مخدر همانند واکسیناسیونی عمل می‌کند که جامعه را در برابر این تهدید گسترده و مخرب مصون می‌سازد.

پیشگیری وضعیت‌مدار^۳ از خرید و فروش مواد مخدر به‌عنوان رویکردی نوین در نظام حقوقی، بر شناسایی شرایط و زمینه‌هایی که فرد را به ارتکاب جرایم مذکور سوق می‌دهد تأکید دارد و می‌کوشد با اصلاح این زمینه‌ها از وقوع جرم جلوگیری کند. این رویکرد در مقایسه با دیدگاه‌های رایج در سیاست جنایی که غالباً واکنش خود را پس از بروز جرم و عمدتاً در قالب پاسخ‌های کیفری اعمال می‌کنند، با نگاهی پیشگیرانه به عوامل فردی، اجتماعی و محیطی می‌پردازد و از این طریق می‌تواند در کاهش پیامدهای مخرب خرید و فروش مواد مخدر بر جامعه اثربخش‌تر عمل کند. با وجود اهمیت نظری این رویکرد، تاکنون قانون‌گذار نسبت به میزان کارایی مؤلفه‌های پیشگیری وضعیت‌مدار و پیش‌بینی آن‌ها در قوانین مرتبط با مواد مخدر مانند قانون مبارزه با مواد مخدر و یا قانون پیشگیری از وقوع جرم بی‌اعتناع بوده و در قوانین مذکور نه تنها جایگاهی نداشته بلکه با چالش‌هایی نیز روبه‌رو هستند. از جمله این چالش‌ها می‌توان به نبود سازوکارهای مشخص نظارتی، فقدان هماهنگی کافی میان نهادهای مسئول و محدودیت منابع اجرایی اشاره کرد. چنین مسائلی اجرای کامل و مؤثر سیاست‌های پیشگیری وضعیت‌مدار را دشوار ساخته و ضرورت بازنگری و تقویت مقررات قانونی را برجسته می‌سازد. در کنار تمامی چالش‌های موجود، فرصت‌های قابل توجهی نیز در مسیر پیشگیری وضعیت‌مدار وجود دارد. بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای قضایی و انتظامی، استفاده از داده‌های آماری برای شناسایی گروه‌های پرخطر و امکان طراحی برنامه‌های پیشگیری هدفمند و علمی از جمله این فرصت‌هاست. این ظرفیت‌ها می‌توانند در اجرای مؤثرتر سیاست‌های پیشگیرانه و کاهش جرایم خرید و فروش مواد مخدر نقش مهمی ایفا کنند. بنابراین، باید اذعان داشت که مؤلفه‌های پیشگیری وضعیت‌مدار از خرید و فروش مواد مخدر در قانون مبارزه با مواد مخدر با آخرین اصلاحات، قانون پیشگیری از وقوع جرم و سایر مقررات مرتبط، بسیار کم‌رنگ‌اند و تلاش می‌شود که موانع اصلی ورود این مؤلفه‌ها به نظام قانونی شناسایی شود. همچنین، در فرض گنجانیدن چنین مؤلفه‌هایی در قوانین و مقررات مرتبط، فرصت‌های پیش‌روی نهادهای مسئول برای تحقق پیشگیری وضعیت‌مدار از جرایم مزبور مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ نه آنکه صرفاً پنداشته شود این پژوهش بر وجود چنین مباحثی در قوانین فعلی تأکید دارد، یا اینکه فرض شود این مؤلفه‌ها هم‌اکنون به طور کامل در قوانین شناسایی شده‌اند.

از این رو، پرسش اصلی پژوهش آن است که تا چه حد در قانون مبارزه با مواد مخدر و قانون پیشگیری از وقوع جرم، به مؤلفه‌های پیشگیری وضعیت‌مدار از خرید و فروش مواد مخدر اکتفا شده است؟ پرسش فرعی پژوهش نیز مبتنی بر این است که مؤلفه‌های مذکور در این مسیر با چه چالش‌هایی روبه‌رو هستند و چه فرصت‌هایی را برای بهبود عملکرد نظام‌ها و سازوکارهای مرتبط پیش‌روی آن‌ها قرار می‌دهند؟ در همین راستا، فرضیه اصلی پژوهش عبارت است از اینکه به نظر می‌رسد جایگاه این رویکرد در قوانین موجود کم‌رنگ و غیرنظام‌مند بوده و عمدتاً در قالب مقررات جزئی و بدون چارچوبی مشخص بروز یافته است. همچنین در پاسخ در پرسش فرعی مفروض است که این وضعیت موجب می‌شود اجرای اقدامات وضعیت‌مدار با چالش‌هایی همچون نبود

^۱ Drugs

^۲ Prevention

^۳ Situational prevention

تخصیص دقیق مسئولیت میان نهادها متکی بر آموزه های وضعیت مدار، فقدان شاخص های روشن جهت ارزیابی عملکرد دستگاه های جهت پیشگیری از جرایم خرید و فروش مواد مخدر، ضعف هماهنگی سازمانی و نبود نظارت مستمر روبه رو گردد؛ همچنین مفروض است اهتمام ورزی به این مؤلفه ها فرصت های قابل توجهی را به وجود می آورد، از جمله امکان بازنگری یکپارچه قوانین، تعیین مسئولیت های مشخص برای دستگاه های اجرایی، طراحی شاخص های سنجش پذیر برای ارزیابی اقدامات پیشگیرانه و ایجاد سازوکارهای نظارتی منظم که همگی این فرصت ها با تکیه بر آموزه های پیشگیرانه وضعیت مدار هستند، بهره گیری از آنها می تواند توانایی نظام حقوقی را در کاهش فرصت های ارتکاب خرید و فروش مواد مخدر و کنترل عوامل محیطی جرمزا به میزان چشمگیری افزایش دهد. لازم به ذکر است که هدف اصلی از انجام پژوهش حاضر، شناسایی میزان اکتفا به مؤلفه های پیشگیری وضعیت مدار در قوانین مرتبط با خرید و فروش مواد مخدر است و همچنین هدف فرعی آن، شناخت چالش ها و فرصت هایی است که مؤلفه های مذکور در این مسیر به منظور بهبود عملکرد نظام ها و سازوکارهای مرتبط با آن رو به رو هستند. لذا فقدان هماهنگی میان نهادهای مقننه، اجرایی و قضائی و نبود داده های میدانی به روز، به عنوان مهم ترین چالش ها، مانع تحقق کامل این ظرفیت قانونی می شوند. در مطالعه پیش رو، با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از ابزار کتابخانه ای، به ارزیابی «پیشگیری وضعیت مدار در مواجهه با جرایم خرید و فروش مواد مخدر؛ چالش ها و فرصت ها» پرداخته می شود و هدف آن ارائه چارچوبی علمی، عملی و بومی شده برای به کارگیری مؤلفه های پیشگیرانه وضعیت مدار در راستای پیشگیری از جرایم خرید و فروش مواد مخدر است. نوآوری این پژوهش نیز از آن جهت اهمیت دارد که در مطالعات پیشین، بازبینی موردی جایگاه پیشگیری وضعیت مدار از جرایم مواد مخدر و چالش ها و فرصت های پیش روی آن مورد توجه قرار نگرفته است.

پیشینه پژوهش

شهرام ابراهیمی و احسان شریعتی فرد (۱۴۰۳)، در مقاله «مطالعه تطبیقی راهبردهای پیشگیری از جرائم مرتبط با مواد مخدر» بیان داشته اند تاثیر مواد مخدر بر بزهکاری می تواند به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم باشد. در حالت اول، ارتکاب بزه تحت تاثیر مصرف و یا برای تحصیل مواد مخدر یا روانگردان مورد نیاز مصرف کننده است. در حالت دوم، مصرف مواد، توانایی و قدرت شناختی فرد را تحت تاثیر قرار خواهد داد. در خصوص تاثیر مستقیم مصرف بر بزهکاری اگرچه همبستگی بین مواد مخدر و بزه های غیر خشونت آمیز در مقایسه با رفتار های خشونت آمیز اشخاص بیشتر است، اما مطالعات نشان می دهند که بین مصرف مواد مخدر و خشونت های درون خانگی نیز همبستگی وجود دارد. در ارتباط با تاثیر غیرمستقیم، مصرف زیاد مواد مخدر در طول دوره نوجوانی می تواند به رشد قابلیت برقراری ارتباط با دیگران آسیب وارد کند. وجه تمایز پژوهش حاضر با مقاله مذکور، در تمایز تمرکز بر نوع جرایم ارتكابی و شیوه پیشگیری از آن است به نحوی که در این پژوهش به طور خاص با تمرکز بر مؤلفه های پیشگیری وضعیت مدار و فرصت ها و چالش هایی که این نوع پیشگیری در مسیر ورود به قوانین مرتبط دارد را مورد بازبینی قرار داده است.

ابوالفضل قاسمی و حسن جوادی نیاکانی و مهدی جواهری (۱۴۰۳)، در مقاله «شناسایی چالش های فراجا در مقابله با خرید و فروش مواد مخدر از طریق رمز ارزها» بیان داشته اند که توسعه فناوری اطلاعات و بانکداری الکترونیکی، دگرگونی ها و تغییرات بسیار زیادی را در شیوه معاملات و مبادلات اقتصادی و تجاری به وجود آورده است. ظهور ابزارهای پرداخت الکترونیکی یکی از این دگرگونی ها بوده و باعث به میان آمدن مفهوم جدیدی در اقتصاد با نام پول الکترونیکی یا ارز دیجیتال شده و عملاً نظام اقتصادی کشور ها را با چالش ها و مسائل جدیدی روبه رو ساخته و به عنوان یکی از مهمترین مسائل روز کشور ها و مخصوصاً بانک های مرکزی شناخته می شود. وجه تمایز پژوهش کنونی با مقاله مذکور در جامعه هدف آن ها است به صورتی که مقاله فوق، به طور خاص چالش های فراجا در مقابله با خرید و فروش مواد مخدر از طریق رمز ارزها را مورد بررسی قرار داده است در حالی که پژوهش حاضر بر روی چالش های پیشگیری وضعیت مدار در مسیر ورود به قوانین مرتبط و فرصت های پیش روی آن را مورد شناسایی قرار داده است.

آزاده صادقی و محمد فرجیها (۱۳۹۷)، در مقاله ای تحت عنوان «واکنش بازارهای خرید و فروش مواد مخدر در برابر تدابیر کنترلی پلیسی: کاهش یا جابجایی» بیان داشته اند در برنامه های پلیسی ناظر بر کنترل بازار مواد مخدر برای افزایش خطرهای ارتکاب جرم، بر بازداشت فروشندگان و توقیف مواد تاکید شده تا از طریق آن فروشندگان از ورود به بازار بی میل شده و یا این که بازداشت شوند. از این منظر، واکنش بازار مواد مخدر در برابر این برنامه ها می تواند میزان دست یابی به اهداف مذکور را مشخص سازد. پرسش اصلی این است که بازارهای مواد مخدر در برابر سیاست های کنترل پلیسی چه واکنشی از خود نشان می دهند؟ آیا این سیاست ها منجر به کاهش فروش مواد مخدر می شود یا بخش عمده ای از این بازارها از جهت مکانی، تاکتیکی و... جابجا می شوند؟ برای پاسخ گویی به این پرسش از روش های الف) مصاحبه عمیق با ۲۷ فروشنده مواد ب) مشاهده غیرمشارکتی عملکرد فروشنده ها در بازارهای مواد و پ) تحلیل گفتمان مقامات رسمی استفاده گردید. یافته های پژوهش بیان گر آن است که فروشندگان به مدیریت خطر با اتکا بر راهبردهای گوناگون می پردازند. تغییر زمان فروش مواد، استفاده از شگردهای مختلف مانند جاساز، فروش در قالب بازارهای بسته و غیره از جمله راهبردهایی است که برای کاهش خطر استفاده می شود. افزون بر این، ورود عرضه کنندگان جدید به بازار مواد مخدر در پی بازداشت برخی دیگر، تغییر در نوع مواد مخدر یا افزودن ناخالصی موجب مقاومت بازار در برابر برنامه های پلیسی می شود. در این راستا باید خاطر نشان کرد که مقاله مذکور تا حدودی بر دیدگاه پسینی پیشگیری از جرایم مواد مخدر و اعمال واکنش های کیفی تمرکز دارد در صورتی که پژوهش حاضر به سبب دیدگاه پیشینی خود، بر پیشگیری پیش از وقوع جرایم خرید و فروش مواد مخدر متمرکز بوده که این امر سبب وجه تمایز آن با مقاله فوق گردیده است.

۱- مبانی نظری پژوهش

با محقق نشدن اهداف جرم شناسی در رویکردهایی همچون بازپروری مجرمین، جرم شناسان و پژوهشگران ناگزیر شدند بازنگری هایی را در سیاست جنایی ترتیب دهند. پیشگیری وضعیت مدار در دهه ۸۰ میلادی به کوشش رونالد کلارک^۴ وارد عرصه علوم جنایی شد، اما بنیادهای شکل گیری آن از مطالعات وزارت کشور انگلستان درباره بازپروری زندانیان در سیستم اصلاحی این کشور سرچشمه می گرفت؛ از این رو با تحقیقاتی که از سال ۱۹۶۰ میلادی توسط وزارت کشور انگلستان انجام شد، رویکردهای مبتنی بر مجازات های بازدارنده یا سیاست های پیشگیری اجتماعی کارآمدی خود را از دست دادند و دیگر پاسخگو نبودند (بابایی و نجیبیان، ۱۳۹۰: ۱۴۹). بدین ترتیب، جرم شناسان در پی راهکاری نوین برای مقابله با بزه کاری^۵ برآمدند که پیشگیری وضعیت مدار ناشی از همین اقدامات بود. اقدامات و ابزارهایی که در پیشگیری وضعیت مدار به کار گرفته می شود معمولاً همان تکنیک هایی است که در سال ۱۹۹۳ توسط کلارک طراحی و ارائه شد و شامل ۱۲ تکنیک برای پیشگیری از انواع گوناگون جرایم خیابانی و غارتگری بود. این تکنیک ها در سه دسته ارائه گردید و هر یک از این گروه ها نیز به چهار تکنیک دیگر تقسیم می شد. در سال های بعد، کلارک در صدد گسترش این تکنیک ها برآمد که نهایتاً به پنج دسته و ۲۵ تکنیک تقسیم بندی شدند (عظیم زاده و شیخ الاسلامی، ۱۴۰۳: ۱۹۶).

پیشگیری وضعیت مدار بر این اندیشه استوار است که علل گذر از اندیشه به عمل جنایی نه تنها انگیزه مرتکب، بلکه خصوصیات وضعی - موقعیتی مشرف بر زمان و لحظه ارتکاب جرم یعنی شرایط پیش جنایی است. لذا می توان با مدیریت و نیز تغییر و دستکاری در وضعیت، اوضاع و احوال مادی و غیر مادی مشرف بر ارتکاب جرم و خصوصاً خرید و فروش مواد مخدر، دست کم از ارتکاب بخشی از جرایم مطروح پیشگیری کرد. این رویکرد می تواند به دو دسته اقدامات منتهی شود. دسته اول اقداماتی که با هدف کاهش وضعیت های پیش جنایی اعمال می شود. دسته دوم برنامه های که با هدف افزایش خطر و هزینه ارتکاب جرم برای مرتکب طراحی و دنبال می شود (ابراهیمی و صفائی آتشگاه، ۱۳۹۴: ۱۲).

برخلاف اختلاف نظرهایی که درباره تعریف سایر گونه های پیشگیری از جرم وجود دارد، در خصوص مفهوم و تعریف پیشگیری وضعیت مدار میان جرم شناسان، اختلاف قابل توجهی دیده نمی شود. با این حال، تعریف های متعددی از پیشگیری وضعیت مدار ارائه

^۴ Ronald Clark

^۵ Delinquency

شده است. در یک تعریف ساده می‌توان گفت پیشگیری وضعیت‌مدار به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که برای تسلط بر محیط با تمرکز بر اشکال خاصی از جرم و از طریق اتخاذ تدابیری همچون مدیریت، طراحی یا مداخله فوری در محیط انجام می‌گیرد (کوهی، ۱۴۰۴: ۱۰۸۹). تعریف دیگری که از پیشگیری وضعیت‌مدار ارائه شده، تعریفی است که توسط مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرم^۶ مطرح شده است. در این تعریف، پیشگیری وضعیت‌مدار به افزایش تلاش مورد نیاز برای ارتکاب جرم و بالا بردن خطر آن برای بزه‌کاران بالقوه از طریق اقداماتی مانند کنترل دسترسی، سخت‌تر کردن اهداف و کاهش منافع حاصل از بزهکاری با حذف انگیزه‌ها معرفی می‌شود (محمدنسل، ۱۴۰۳: ۱۲۳).

پیشگیری وضعیت‌مدار «برای کاهش نرخ بزهکاری، از یک سو به رفتار، شیوه زندگی و وضعیت کنشگری‌های بزه‌دیده توجه دارد و از سوی دیگر بر فضاها و منافع ناشی از جرم تمرکز می‌کند. بر همین مبنا، این نوع پیشگیری را می‌توان به سه گونه بزه‌دیده مدارانه^۷، محیط مدارانه^۸ و زیان مدارانه^۹ تقسیم‌بندی کرد. گونه نخست با تمرکز بر شیوه زندگی و رفتار بزه‌دیده و مدیریت آن، می‌کوشد فرصت‌های مناسب برای ارتکاب جرم را کاهش دهد. گونه دوم به طراحی محیط و نحوه ساماندهی فضاها توجه دارد. گونه سوم نیز با تکیه بر این فرض عمل می‌کند که در فرآیند گذر از اندیشه به کنش مجرمانه، زمانی که بزهکاری سودآور جلوه کند، انتخاب خواهد شد» (نیازپور، ۱۴۰۲: ۱۸۲). با همه این توضیحات، «این نوع پیشگیری با توجه به شرایط بزهکار، نوع جرم، موضوع‌ها و اهداف جرم و ویژگی‌های بزه‌دیده اقداماتی را اجرا می‌کند که فرایند آن‌ها به حذف یا تضعیف فرصت‌ها و موقعیت‌های بزهکارانه منجر می‌شود» (پورایمان، ۱۴۰۳: ۶).

۱-۱ پیشگیری وضعیت‌مدار در مواجهه با خرید و فروش مواد مخدر

خرید و فروش مواد مخدر در سراسر جهان سبب بروز مشکلات گسترده در حوزه‌های گوناگون شده و پیامدهای فراوانی در عرصه‌های بهداشتی و اجتماعی به همراه داشته است. ارتکاب انواع جرایم مرتبط با مواد مخدر اعم از خرید، فروش و مصرف آن در فضاهای شهری، می‌تواند به برهم خوردن نظم عمومی، جذب افراد حاشیه‌نشین و جوانان به سوی ارتکاب این گونه جرایم و تقویت احساس ناامنی در سطح جامعه منجر شود (Feltmann et al., 2021: 2). پیشگیری وضعیت‌مدار از خرید و فروش مواد مخدر، دارای مؤلفه‌های عمل‌گرایانه و مبتنی بر تغییر محیط و شرایط وقوع جرم است. برخلاف دیگر رویکردهایی که ممکن است بر انگیزه‌ها و ویژگی‌های مجرمان یا قربانیان^{۱۰} تمرکز داشته باشند، پیشگیری وضعیت‌مدار به دنبال کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم، افزایش خطر دستگیری و کاستن از جذابیت اهداف جرم در مکان‌ها و زمان‌های مشخص است. در حوزه خرید و فروش مواد مخدر، این رویکرد می‌تواند شامل طیف گسترده‌ای از مداخلات هدفمند باشد. فلذا پیشگیری وضعیت‌مدار از جرایم مذکور رویکردی پویا و انعطاف‌پذیر است که نیازمند تحلیل مستمر الگوهای جرم، شناسایی نقاط آسیب‌پذیر و اجرای مداخلات هدفمند و متناسب با شرایط محلی است. این نوع پیشگیری با ارائه تدابیر متنوع و هدفمند و از طریق رفع چالش‌ها و موانع موجود، بستری کارآمد برای جلوگیری از وقوع خرید و فروش مواد مخدر فراهم می‌سازد (دیناروند و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۸۵).

ارتکاب این جرایم غالباً سبب بروز خشونت و ایجاد احساس ناامنی در محیط‌های عمومی می‌شود؛ فضاهایی که به دلیل دسترسی آزاد و گسترده عموم، مستعد شکل‌گیری این‌گونه جرایم‌اند. در مقابل، اماکن موسوم به «مناطق راحت»^{۱۱} مانند منازل مسکونی، گاراژها یا پارکینگ‌ها، هرچند از نظر قانونی یا اجتماعی در زمره فضاهای عمومی قرار نمی‌گیرند، اما به سبب نبود دید کافی و فقدان نظارت مؤثر، زمینه مناسبی برای ارتکاب خرید و فروش مواد مخدر فراهم می‌سازند. بر این اساس، می‌توان گفت پیشگیری وضعیت‌مدار در حوزه جرایم مرتبط از قابلیت چشمگیری برای به‌کارگیری مؤلفه‌های مؤثر و متنوع برخوردار است. از منظر فلسف^{۱۲}

^۶ International Crime Prevention Center

^۷ Victim-centered

^۸ Area-based

^۹ Loss prevention

^{۱۰} Victims

^{۱۱} Comfortable areas

^{۱۲} Felsen

و کلارک، جرایم مواد مخدر و به خصوص خرید و فروش آن ها می‌توانند به‌عنوان نقطه اتصال به سایر جرایم نیز عمل کنند؛ زیرا فروشندگان، خریداران و یا مصرف‌کنندگان مواد غالباً در موقعیتی قرار می‌گیرند که اختلافات یا منازعات خود را نه از طریق نظام عدالت کیفری، بلکه در بستر چرخه مصرف یا مبادله مواد حل‌وفصل می‌کنند (Ceccati et al., 2023: 222).

۲-۱ شناسایی پیشگیری وضعیت‌مدار در خرید و فروش مواد مخدر در قوانین مرتبط

شیوع پدیده شوم مواد مخدر و ارتکاب جرایم ناشی از آن مانند خرید و فروش در میان اقشار مختلف جامعه ایران به معضلی پیچیده و چندوجهی بدل شده که توجه متخصصان حوزه‌های گوناگون را به خود معطوف ساخته است. آمارهای نگران‌کننده منتشر شده از سوی دفتر مقابله با مواد مخدر سازمان ملل متحد، در کنار یافته‌های مطالعات ملی همچون تحقیق اپیدمیولوژیک ستاد مبارزه با مواد مخدر، نشان می‌دهد که سن تمایل به ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر به زیر ۱۵ سال کاهش یافته است (گوهری، ۱۴۰۴: ۱۴۷). این وضعیت نه تنها به آسیب‌های فردی یا خانوادگی محدود نمی‌شود، بلکه در بلندمدت می‌تواند به فرسایش سرمایه اجتماعی و تضعیف انسجام اجتماعی بینجامد. در نظام تقنینی ایران، جرایم مواد مخدر در چارچوب قوانینی مانند قانون مبارزه با مواد مخدر با آخرین اصلاحات و قانون پیشگیری از وقوع جرم مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است، اما رویکرد غالب بر این قوانین عمدتاً بر به‌کارگیری مجازات‌های شدید بدنی و کیفری از جمله حبس‌های طولی‌المدت و شلاق متمرکز است؛ راهبردی که خاستگاه آن را می‌توان در تفسیرهای فقهی خاص از منابع شرعی همچون «آیه ۹۰ سوره مائده» و روایات مرتبط با جرم‌انگاری حالت «سُکر» جست‌وجو کرد (گوهری، ۱۴۰۴: ۱۴۷). به این ترتیب، از یکسو کیفر با کارد های متعدد آن، مانند ارباب عمومی، ارباب فردی، خنثی سازی و سزادهی مؤثر واقع نشده است و از سوی دیگر، مطالعات تجربی راجع به اهداف و کارکردهای انواع کیفر نشان داده است که تحقق کامل این هدف بعید و بعضاً غیرممکن می باشد. بنابراین تعجب آور نخواهد بود که در برابر این ناتوانی کیفر از دست یابی به نتیجه و اهداف مورد انتظار، توسل به مداخلات پیشگیرانه، به ویژه مداخلات پیشگیرانه وضعیت مدار مطرح گردد (ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۱۳۳).

با بررسی دقیق قوانین موجود در حوزه خرید و فروش مواد مخدر، می‌توان گفت که قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ با آخرین اصلاحات، عمدتاً بر مقابله کیفرمآبانه بر خرید و فروش مواد مخدر و تعیین مجازات برای مرتکبان تمرکز دارد. در این قانون، برخی مواد به‌طور غیرمستقیم به پیشگیری اشاره کرده‌اند؛ برای نمونه، مواد ۱۶ و ۱۷ نهادهای دولتی و سازمان‌های مرتبط را موظف به آموزش، اطلاع‌رسانی و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه برای کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌کنند، اما این اقدامات بیشتر در قالب آموزش و آگاهی عمومی طراحی شده و به‌صورت نظام‌مند به پیشگیری وضعیت‌مدار که هدف آن تغییر شرایط محیطی و کاهش فرصت ارتکاب جرم است، پرداخته نشده است. همچنین مواد ۴۴ و ۴۵ قانون مذکور، که به تعیین مجازات‌ها و کاهش آن‌ها در برخی شرایط می‌پردازند، تنها به‌طور محدود و عطف به‌ماسبق می‌توانند نقش پیشگیرانه داشته باشند و هدف اصلی آن‌ها نه پیشگیری مؤثر از وقوع جرم، بلکه کنترل و مجازات است. با این حال، ماده ۳۳ قانون مبارزه با مواد مخدر با آخرین اصلاحات، صریح‌ترین ماده قانونی در زمینه پیشگیری از وقوع جرایم خرید و فروش مواد مخدر است که در آن از ستادی به ریاست رئیس‌جمهور و با عضویت گسترده نهادهای نظامی و کشوری نام برده شده است. با این وجود، این ماده نیز همانند سایر مقررات مرتبط به‌تنهایی قادر نیست خلأها و چالش‌های موجود در نظام پیشگیری از جرایم خرید و فروش مواد مخدر را پوشش دهد و نیازمند تکمیل و پشتیبانی قانونی و اجرایی گسترده‌تر است. با وجود تلاش‌های انجام‌شده و تصویب قوانین متعدد در طول حدود یک قرن گذشته، تاکنون راهکارهای مناسب و کارآمدی در راستای پیشگیری وضعیت‌مدار از جرایم خرید و فروش مواد مخدر به دست نیامده است. قوانین کنونی، هرچند حاوی برخی تدابیر مرتبط با پیشگیری وضعیت‌مدار هستند که به‌صورت پراکنده در متون قانونی مختلف، نظیر اشاره به کنترل مبادی ورودی و خروجی در قانون مبارزه با مواد مخدر با آخرین اصلاحات و وظایف ضابطین در کشف جرم در قانون آیین دادرسی کیفری یافت می‌شوند، اما از یک رویکرد جامع و نظام‌مند در حوزه پیشگیری وضعیت‌مدار برخوردار نیستند. در ایران و قوانین جاری، مبارزه با خرید و فروش مواد مخدر همواره در قالب قوانین سختگیرانه وضع شده است و

شناسایی مؤلفه‌های پیشگیرانه وضعیت‌مدار در آن‌ها بسیار دشوار به نظر می‌رسد که این امر بیانگر فقدان اهمیت این مؤلفه‌ها در سیستم کیفری و قانونی کشور است (بهمنی فر، ۱۴۰۳: ۲۵۶).

همچنین قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب سال ۱۳۹۲، رویکردی کلی به پیشگیری دارد و تمرکز آن بر اقدامات فرهنگی، آموزشی و اجتماعی برای کاهش وقوع جرم است، اما به‌طور مشخص خرید و فروش مواد مخدر را هدف قرار نداده و پیشگیری وضعیت‌مدار را به شکل مستقیم مورد توجه قرار نداده است. سایر آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های مرتبط با مواد مخدر نیز عمدتاً بر درمان معتادان و مجازات متخلفان متمرکز هستند و در موارد محدودی که پیشگیری ذکر شده، این اقدامات بیشتر به شکل آموزش و اطلاع‌رسانی بوده و هیچ سازوکار محیطی یا عملیاتی برای کاهش فرصت ارتکاب خرید و فروش مواد مخدر که شاخص اصلی پیشگیری وضعیت‌مدار است، در آن‌ها دیده نمی‌شود. به‌طور کلی، با نگاهی نقادانه می‌توان گفت که دیدگاه‌های پیشگیرانه و به‌ویژه پیشگیری وضعیت‌مدار در قوانین و آیین‌نامه‌های موجود در حوزه جرایم مربوطه کم‌رنگ و پراکنده هستند. قوانین فعلی بیشتر بر سرکوب و کنترل خریداران و فروشندگان مواد مخدر تمرکز دارند و ظرفیت‌های بالقوه پیشگیری وضعیت‌مدار به‌صورت عملیاتی و مستمر در آن‌ها بهره‌برداری نشده است؛ بنابراین جایگاه پیشگیری در این حوزه هنوز نیازمند بازنگری و تقویت ساختاری است.

با آنکه در قوانین مرتبط با مواد مخدر در ایران، نشانی از تصریح صریح و هدفمند به رویکرد پیشگیری وضعیت‌مدار از خرید و فروش مواد مخدر دیده نمی‌شود، اما در برخی مواد قانونی و ساختارهای نهادی، زمینه‌هایی وجود دارد که با بازنگری در سیاست‌های تقنینی، تفسیر موسع از قوانین موجود و تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی کارآمد، می‌توان از آن‌ها به‌عنوان زیرساخت‌های بالقوه برای استقرار و اجرای پیشگیری وضعیت‌مدار بهره گرفت. در واقع، هرچند قانون‌گذار تاکنون پیشگیری وضعیت‌مدار را به‌عنوان یک راهبرد مستقل در عرصه تقنین وارد نکرده است، اما بسترهایی مانند وظایف نهادهای محلی و شوراهای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر، اختیارات قانونی شهرداری‌ها در ارتقای امنیت شهری و ظرفیت‌هایی که در برخی اصول قوانین آیین دادرسی کیفری یا برنامه‌های کاهش آسیب نهفته است، امکان بهره‌گیری به شکل محدود از ابزارهای وضعیت‌محور را فراهم می‌سازند.

۲- تبیین چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی پیشگیری وضعیت‌مدار از جرایم خرید و فروش مواد مخدر

با گذشت سال‌ها از تدوین و تبیین مؤلفه‌های پیشگیری وضعیت‌مدار، این رویکرد همچنان از کارآمدی قابل توجهی در حوزه‌های مختلف برخوردار است و به‌ویژه می‌تواند در مهار و کاهش جرایم خرید و فروش مواد مخدر، نقش برجسته‌ای ایفا کند. برخلاف شیوه‌های سنتی مبارزه با جرایم مواد مخدر که عمدتاً بر تغییر نگرش‌ها یا اصلاح ویژگی‌های شخصیتی بزهکاران تمرکز دارند، پیشگیری وضعیت‌مدار تأکید می‌کند که حتی افراد دارای انگیزه^{۱۳} نیز، در صورتی که شرایط محیطی دشوارتر شود یا هزینه ارتکاب جرایم خرید و فروش مواد مخدر افزایش یابد، ممکن است از ارتکاب جرم منصرف شوند (Jon Hilmen, 2024: 1). پیشگیری وضعیت‌مدار در سیر تطور قانونی و اجرایی خود، فرصت‌ها و چالش‌های متعددی را پیش‌روی قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران کشورهای مختلف قرار داده است؛ چالش‌هایی که شناسایی دقیق آن‌ها می‌تواند به ارتقای اثربخشی مداخلات پیشگیرانه کمک کند و فرصت‌هایی که بهره‌برداری از آن‌ها قادر است عملکرد نهادهای مسئول در حوزه پیشگیری از جرایم مواد مخدر را به‌طور معناداری بهبود بخشد.

چالش‌های بنیادین پیشگیری وضعیت‌مدار از جرایم خرید و فروش مواد مخدر در قوانین جاری کشور ابعاد گوناگونی دارد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موانع قانونی و اجرایی اشاره کرد؛ چالش‌هایی که در عمل علاوه بر اینکه مانع به‌کارگیری این رویکردها در قوانین جاری شده‌اند، موجب ناکارآمد جلوه کردن آموزه‌ها و راهکارهای آن نیز شده‌اند (گودرزی، ۱۴۰۰: ۱۳۸). یکی از چالش‌های اصلی در این زمینه، فقدان تصریح قانونی نسبت به مفهوم پیشگیری وضعیت‌مدار و آموزه‌های آن است؛ به‌طوری که در مقرراتی چون قانون مبارزه با مواد مخدر یا آیین‌نامه‌های وابسته به آن، اشاره‌ای به مؤلفه‌های اساسی این رویکرد، نظیر کنترل

¹³ Motivation

محیط، کاهش دسترسی، افزایش خطرپذیری مجرم یا سخت‌سازی شرایط ارتکاب جرم خرید و فروش مواد مخدر وجود ندارد. در نتیجه، نهادهای اجرایی از بهره‌گیری مؤثر از ابزارهای موقعیت‌محور محروم مانده‌اند و تمرکز اصلی سیاست‌ها به خصوص در قانون مبارزه با مواد مخدر با آخرین اصلاحات همچون مواد ۵ و ۸ این قانون، همچنان بر واکنش کیفری استوار است. همچنین با توجه به پیچیدگی و گستره فزاینده خرید و فروش مواد مخدر، نظام‌های حقوقی در بسیاری از کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که اتکال صرف بر پاسخ‌های کیفری، بدون بهره‌گیری از رویکردهای نوین پیشگیرانه، نه تنها اثربخش نیست بلکه در بلندمدت موجب بازتولید بزه در اشکال پیچیده‌تر خواهد شد. در این میان، پیشگیری وضعیت‌مدار به‌عنوان رویکردی مبتنی بر مدیریت موقعیت‌های جرم‌زا، فرصتی فراهم می‌آورد تا قانون‌گذار به جای تمرکز صرف بر عامل انسانی، به اصلاح شرایط، فضاها و الگوهای دسترسی به موقعیت‌های جرم بپردازد. این تحول در زاویه نگاه می‌تواند تأثیر بسزایی در ارتقای اثربخشی قوانین حوزه مواد مخدر خاصه خرید و فروش آن داشته باشد. بهره‌گیری از مؤلفه‌های پیشگیری وضعیت‌مدار در تدوین و اصلاح قوانین مرتبط با خرید و فروش مواد مخدر و همچنین در پیاده‌سازی اجرایی و ساختاری آن‌ها، فرصتی نادر برای بازآفرینی سیاست جنایی بر پایه منطق پیشگیرانه، کارآمد و متناسب با واقعیت‌های محیطی در اختیار نظام حقوقی قرار می‌دهد. پیشگیری وضعیت‌مدار با ایجاد اختلال مستقیم در مسیر ارتکاب جرایم مذکور می‌تواند فرصت تازه‌ای برای کاهش جمعیت کیفری ایجاد کند و همچنین ناکارآمدی سایر روش‌های پیشگیرانه و شکست دیدگاه‌های موجود در حوزه مقابله با جرایم مذکور، فرصت‌های فراوانی برای بهبود قوانین جاری فراهم آورده است (سعیدی راد، ۱۳۹۶: ۴۵).

۱-۲ چالش‌های قانونی و اجرایی تحقق پیشگیری وضعیت‌مدار از خرید و فروش مواد مخدر

بدون شک، قوانین مصوب در زمینه‌های مختلف هرگز عاری از ایراد نبوده و نخواهند بود و همواره ابعادی در جامعه و زندگی بشری وجود دارد که با هیچ قانونی نمی‌توان آن‌ها را به‌طور کامل تضمین کرد. این قاعده شامل قوانین پیشگیرانه از جرایم خرید و فروش مواد مخدر نیز می‌شود و آن‌ها را مستثنی نمی‌سازد. شناسایی چالش‌های قانونی و اجرایی همواره از اهمیت بالایی برخوردار بوده و می‌تواند به ارتقای کیفیت قوانین پیشگیرانه در خرید و فروش مواد مخدر در ابعاد مختلف و به‌ویژه در زمینه پیشگیری وضعیت‌مدار کمک کند.

شناسایی چالش‌های موجود در قوانین جاری، زمینه‌ساز بهبود کارایی این قوانین خواهد بود. با کشف این کاستی‌ها و بررسی نقاط ضعف هر یک از مواد موجود، می‌توان اقداماتی را در جهت اصلاح و ارتقای آن‌ها مطابق با شیوه‌های پیشگیری وضعیت‌مدار انجام داد؛ از این رو، این روند باعث هماهنگی بیشتر قوانین پیشگیرانه از جرایم خرید و فروش مواد مخدر با چالش‌های واقعی می‌شود. وجود خلأها و موانع قانونی و اجرایی در قوانین، نه تنها موجب کاهش ارزش این مقررات می‌گردد، بلکه اثربخشی برنامه‌هایی را که در چارچوب مواد قانونی طراحی شده‌اند نیز تا حد قابل توجهی کاهش می‌دهد؛ امری که به افزایش نرخ ارتکاب جرایم مواد مخدر به ویژه خرید و فروش این مواد و در نهایت تحمیل هزینه‌های سنگین در حوزه‌های مختلف به جامعه منجر می‌شود.

۱-۱-۲ تبیین چالش‌های قانونی پیشگیری وضعیت‌مدار از جرایم خرید و فروش مواد مخدر

پیشگیری از خرید و فروش مواد مخدر، چه از منظر رویکردهای وضعیت‌محور و چه از دیدگاه سایر جنبه‌های ساختاری و اجتماعی، یکی از مهم‌ترین اولویت‌های سیاست‌گذاری عمومی در نظام‌های حقوقی به شمار می‌آید. ویژگی اصلی این جرایم، وسوسه‌آمیز بودن آن‌ها برای طیف گسترده‌ای از افراد جامعه است؛ زیرا در بسیاری موارد، سود کلان و سریع ناشی از خرید و فروش یا جابه‌جایی این مواد انگیزه‌های اقتصادی قوی برایشان ایجاد می‌کند. افزون بر این، باید توجه داشت که این دسته از جرایم، بستر وقوع بسیاری از رفتارهای مجرمانه دیگر را نیز فراهم می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که خرید و فروش مواد مخدر می‌تواند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با جرایمی مانند سرقت، خشونت، پول‌شویی و اخلال در نظم عمومی مرتبط باشد. از این رو، مداخله پیشگیرانه در این عرصه نه فقط به‌عنوان اقدامی محدود، بلکه به‌عنوان راهبردی بنیادین در ارتقای امنیت عمومی و سلامت اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد. در مجموع می‌توان اذعان داشت که اجرای برنامه‌های پیشگیرانه وضعیت‌مدار از جرایم مذکور می‌تواند اثرات بلندمدت، ماندگار و قابل توجهی در کاهش و پیشگیری از این جرایم داشته باشد (Griffin et al., 2023: 3).

در نظام تقنینی ایران، مقدار مواد مخدر به عنوان اصلی ترین و مهم ترین عامل پیش بینی کننده شدت کیفر در نظر گرفته می شود. بر این اساس، کیفرها به تناسب نقش افراد در این دسته از جرایم توزیع نمی شوند و از این رو، نمی توان آن را شاخص مناسبی برای تعیین شدت جرم و کیفر به حساب آورد. تعیین مجازات بر اساس مقدار مواد مخدر ریشه در دیدگاه فایده گراییانه قانون گذار دارد و بر جلوگیری از آسیب به جامعه تأکید می کند. با این حال، حتی با پذیرش این دیدگاه، فایده گرایی به طور مطلوب تحقق نمی یابد؛ زیرا مجرمان بالقوه در حوزه خرید و فروش مواد مخدر می توانند با اتکا به همین نگرش از مجازات فرار کنند. در حقیقت، وجود این ناکارآمدی ها نشان دهنده شکست مجازات های سختگیرانه در قوانین است و بهتر است از طریق به کارگیری برنامه های پیشگیرانه، به ویژه برنامه های پیشگیرانه وضعیت مدار، تلاش شود تا میزان مشارکت افراد در جرایم مواد مخدر کاهش یابد (کرباسچی و دلاوری، ۱۳۹۸: ۱۲۱ و ۱۲۲).

قانون «پیشگیری از وقوع جرم» مصوب سال ۱۳۹۵ را می توان نخستین چارچوب جامع و نظام مند قانون گذار ایران در حوزه پیشگیری دانست که با هدف نهادینه کردن رویکردهای علمی و عملیاتی در مقابله با عوامل جرم زا به تصویب رسید. این قانون با تلاش بر تکیه بر سطوح گوناگون پیشگیری مانند پیشگیری اجتماعی و کیفری تلاش کرد مسئولیت نهادهای مختلف را در برابر جرم روشن کند. با وجود این، تحلیل دقیق مفاد آن نشان می دهد که تمرکز اصلی قانون بیش از آن که بر سازوکارهای اجرایی مؤثر در کاهش فرصت های ارتکاب جرم باشد، بر تعیین مسئولیت های کلی و ساختارهای نهادی (مانند ایجاد مرکز ملی پیشگیری از جرم) متمرکز مانده است. در همین راستا تجربه ثابت نموده است که هرچه بدنه شورای پیشگیری از وقوع جرم به منظور اجرای ساز و کار های قانونی وسیع تر باشد، به همان اندازه در زمینه اجرا، ضعیف تر عمل خواهد کرد (خوش سلوک، ۱۴۰۴: ۸۹). از این رو در سطح عملی، هم پیوندی میان پیشگیری وضعیت مدار و سیاست های اجرایی نهادهای هنوز به طور کامل تحقق نیافته است. پیشگیری وضعیت مدار مبتنی بر تغییر شرایط و محیط هایی است که احتمال ارتکاب جرم را افزایش می دهند. در حالی که قانون مذکور نتوانسته است سازوکارهای مشخصی مانند شناسایی نقاط جرم خیز، اصلاح طراحی شهری و یا کنترل زنجیره توزیع، خرید و فروش مواد مخدر را تدوین کند. این خلأ موجب شده تا دستگاه ها در اجرای برنامه های وضعیت محور، بیشتر بر اقدامات پلیسی کوتاه مدت تمرکز کنند و کمتر به اصلاح بسترهای ساختاری جرم بپردازند. پس از تصویب قانون پیشگیری از جرم، چندین سند و مقررہ تکمیلی در حوزه مبارزه با مواد مخدر، از جمله اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و برنامه های شورای هماهنگی، تدوین شده است. با این حال، این مقررات در عمل نتوانسته اند هم راستا با اهداف قانون ۱۳۹۵، رویکرد پیشگیری محور و به ویژه وضعیت مدار از جرایم خرید و فروش مواد مخدر را در سیاست جنایی کشور تقویت کنند. بیشتر این قوانین همچنان ماهیت واکنشی دارند و تمرکز آن ها بر تعقیب، مجازات و کاهش عرضه است تا کاهش زمینه های وقوع جرایم خرید و فروش مواد مخدر؛ در نتیجه، سیاست پیشگیری وضعیت مدار عملاً در لایه های اجرایی مغفول مانده است.

بدین سان یکی از مهم ترین چالش ها در تحقق اهداف قانون پیشگیری از وقوع جرم، نبود هماهنگی میان نهادهای مجری و فقدان سازوکار نظارت پذیر برای اجرای برنامه های وضعیت محور است. ساختارهای بوروکراتیک، ضعف در تبادل داده های جرم شناختی و پیشگیرانه وضعیت مدار و نبود معیارهای سنجش کارایی مانع از شده اند تا دستگاه ها عملکرد قابل ارزیابی داشته باشند. در حوزه خرید و فروش مواد مخدر، فقدان ارتباط میان نیروی انتظامی، شهرداری ها و نهادهای اجتماعی در طراحی محیطی و کنترل نقاط پرخطر، موجب تداوم چرخه تکرار جرم شده است. در مجموع، قانون پیشگیری از وقوع جرم ۱۳۹۵ گامی مهم در جهت نهادینه سازی سیاست های پیشگیرانه بود، اما از منظر رویکرد وضعیت مدار، همچنان ناقص و نیازمند بازنگری است. به ویژه در حوزه جرایم مواد مخدر، لازم است قانون گذار به بازتعریف ابزارهای محیطی، سامانه های هوشمند رصد موقعیت های جرم زا، و آموزش نیروهای اجرایی در زمینه پیشگیری فنی توجه جدی تر کند. تنها با ترجمه مفاد کلی این قانون به برنامه های اجرایی قابل سنجش می توان از سطح اعلامی و نمادین عبور کرد و به مرحله کارآمدی واقعی در کاهش جرایم مواد مخدر رسید. انواع پیشگیری اعم از وضعیت مدار باید در قانون پیشگیری از وقوع جرم تبیین و وظایف هر نهاد از سایر نهادها تفکیک گردد (شیری، ۱۳۹۶: ۱۷).

پیشگیری از خرید و فروش مواد مخدر همواره در طول دوره‌های مختلف با موانع و دشواری‌های متعددی همراه بوده است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، چالش‌های مرتبط با حوزه قانون‌گذاری است. فقدان یک نظام قانونی منسجم و مبتنی بر مبانی علمی و جرم‌شناختی پیشگیری وضعیت‌مدار، تأثیر قابل توجهی بر نحوه عملکرد و میزان اثربخشی نهادهای مسئول در این زمینه گذاشته است. قوانین و مقررات کنونی همچون قانون مبارزه با مواد مخدر با آخرین اصلاحات، به‌گونه‌ای تدوین شده‌اند که نه تنها به بهبود ظرفیت اجرایی دستگاه‌های متولی در زمینه پیشگیری وضعیت‌مدار از خرید و فروش مواد مخدر کمک نمی‌کنند، بلکه در بسیاری موارد موجب کاهش کارایی این اقدامات و افزایش نرخ ارتکاب جرایم مذکور نیز می‌شوند. چالش‌های قانونی مرتبط با پیشگیری وضعیت‌مدار در این حوزه از جمله مسائلی هستند که پاسخ‌گویی به آن در صلاحیت مستقیم قانون‌گذار قرار دارد. در این میان، کمبود قوانین جامع و هدفمند در این حوزه نخستین مانعی است که سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط را با محدودیت‌ها و مشکلات گسترده‌ای مواجه ساخته است.

از سوی دیگر، نبود اختیارات کافی یا سازوکارهای قانونی مرکب با مؤلفه‌های پیشگیرانه وضعیت‌مدار مشخص برای انجام اقدامات مؤثر توسط نیروهای اجرایی و کارشناسان حوزه مانند دادستان و ضابطان، در بسیاری موارد به مانعی جدی در مسیر عملیاتی‌سازی سیاست‌های پیشگیرانه مطروح تبدیل می‌شود. با این حال، به‌نظر می‌رسد یکی دیگر از اساسی‌ترین و تأثیرگذارترین چالش‌ها که در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازنگری و اصلاح است، نوع نگاه کیفری و مجازات‌محور حاکم بر فرآیند تقنین در این حوزه باشد. قوانین کیفری موجود و مقرراتی که با هدف مقابله با انواع جرایم به تصویب رسیده‌اند، عمدتاً مبتنی بر رویکردهای تنبیهی و بازدارندگی سخت‌گیرانه هستند و همین امر موجب کاهش کارآمدی آن‌ها در مقابله با پدیده پیچیده‌ای چون خرید و فروش مواد مخدر شده است. در حال حاضر، در نظام عدالت کیفری ایران و قوانین جاری، هیچ شاخص یا معیار روشنی برای تعریف و اجرای مؤلفه‌های پیشگیری وضعیت‌مدار از جرایم خرید و فروش مواد مخدر وجود ندارد و همین خلأ تقنینی به‌عنوان چالشی بنیادین در مسیر تحقق سیاست‌های کارآمد پیشگیرانه تلقی می‌شود (صادقی، ۱۴۰۲: ۲۰۷).

بنابراین، شایسته است قوه مقننه، به‌عنوان عالی‌ترین مرجع تقنین در کشور، با در نظر گرفتن ناکارآمدی قوانین پیشین در حوزه پیشگیری از جرایم مذکور، در مسیر اصلاح این نارسایی و تصویب قوانینی منطبق با اصول پیشگیری وضعیت‌مدار، اقدامات جدی و مؤثری را در دستور کار خود قرار دهد. نیاز به تدوین و تصویب قانونی جامع، شفاف و کارآمد در این زمینه، در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود؛ قانونی که بتواند چارچوبی روشن و همه‌جانبه برای پیشگیری از جرایم خرید و فروش مواد مخدر ارائه کند. هرچند در ماده ۳۳ قانون مبارزه با مواد مخدر، تشکیل ستاد مبارزه و پیشگیری از مواد مخدر پیش‌بینی شده است، اما در عمل جایگاه چنین نهادی در میان انبوه مواد قانونی با رویکرد سخت‌گیرانه و صرفاً کیفری، بسیار کم‌رنگ و حاشیه‌ای است. با آنکه قانون‌گذار با دقت درصدد ایجاد چنین ساختاری برآمده، این اقدام به‌تنهایی پاسخگوی نیازهای پیچیده و چندلایه مقابله با خرید و فروش مواد مخدر نیست. از همین‌رو، بازنگری در سیاست تقنینی موجود و تدوین قانونی جدید با محوریت مؤلفه‌های پیشگیری وضعیت‌مدار، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بوده و باید در اولویت برنامه‌های قانون‌گذاری قرار گیرد.

از ابتدا در نظام کیفری ایران در حوزه خرید و فروش مواد مخدر، سیاست جنایی واحدی در زمینه مبارزه با جرایم مذکور اتخاذ نشده است؛ گاهی قانون‌گذار با وضع قوانین سخت‌گیرانه، به شدت با این موضوع به مقابله پرداخته است و در برخی مواقع نیز به جرم زدایی از برخی جرایم کرده است. تأمل در ساختار ضمانت اجرای کیفری نشان می‌دهد که پیشگیری واکنشی عملاً بر پیشگیری کنشی و وضعیت‌مدار غلبه دارد. به بیان دیگر، قانون‌گذار به‌جای تمرکز بر مدیریت شرایط و زمینه‌های جرم‌زا، بیشتر بر تعیین و تشدید مجازات‌های گوناگون از جمله حبس‌های طولانی‌مدت و در مواردی مجازات‌های سالب حیات تکیه کرده است تا از این طریق ارباب فردی و جمعی ایجاد کند. در چارچوب نظریه بازدارندگی، این نوع سیاست کیفری بر این فرض مبتنی است که اعلام و اجرای مجازات‌های شدید، پیام هشدار به عموم جامعه مخابره کرده و در نتیجه احتمال ارتکاب جرایم مشابه کاهش می‌یابد. با این حال، چنین رویکردی به دلیل تمرکز بر «واکنش پسینی» بیشتر در خدمت مدیریت پیامدهای جرم است تا کاهش نظام‌مند فرصت‌های ارتکاب آن و از این جهت با فلسفه پیشگیری وضعیت‌مدار از خرید و فروش مواد مخدر که بر اصلاح محیط،

کنترل دسترسی، کاهش جذابیت سود و دشوار کردن ارتکاب جرم تأکید دارد، هم‌خوانی کامل ندارد. در عین حال، ادبیات علمی و تجربه عملی در زمینه جرایم خرید و فروش مواد مخدر نشان می‌دهد که اتکای صرف به مجازات‌های سنگین، به‌ویژه در قالب اعدام و حبس‌های بسیار طولانی، نه تنها به خودی خود تضمین‌کننده کاهش پایدار جرایم نیست، بلکه ممکن است به جابه‌جایی الگوهای ارتکاب و سازمان‌یافته‌تر شدن شبکه‌های خرید و فروش نیز بینجامد. از منظر تحلیلی، می‌توان گفت قانون‌گذار در حوزه مواد مخدر به‌جای طراحی سازوکارهای دقیق پیشگیری کنشی و وضعیت‌مدار مانند کنترل مؤثر مسیرهای توزیع، شناسایی و مدیریت نقاط جرم‌خیز و استفاده از ابزارهای هوشمند برای رصد موقعیت‌های پرخطر، بیشتر به ابزار ساده‌تر و قابل رؤیت تشدید کیفر متوسل شده است. این عدم توازن میان کیفرمحوری و پیشگیری‌محوری، سبب شده است که ضمانت اجرای کیفری هرچند از حیث شدت و سخت‌گیری برجسته‌اند، اما از حیث کارکرد پیشگیرانه‌ی پایدار، با انتظارات نظری و اهداف اعلامی قانون‌گذار در زمینه پیشگیری از وقوع جرم به‌ویژه در قالب رویکرد وضعیت‌مدار فاصله معناداری داشته باشند (موسوی مجاب و رستمی، ۱۳۹۹: ۲۴۹).

خریداران و فروشندگان مواد مخدر، همچون سایر بزه‌کاران، با رفتارهای مجرمانه خود نظم اجتماعی و امنیت عمومی را دچار اختلال می‌کنند و در بسیاری موارد، آثار زیان‌بار این اقدامات تا مدت‌ها بر پیکره جامعه باقی می‌ماند و جبران‌پذیر نیست. از این‌رو، اتخاذ تدابیر مؤثر برای پیشگیری از وقوع این نوع جرایم و مهار آسیب‌های گسترده آن برای افراد و جامعه، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. با این حال، علی‌رغم اقدامات بین‌المللی در این حوزه، سیاست‌های مجازات‌محور صرف نتوانسته‌اند مانع بروز جرایم مواد مخدر شوند. در حقیقت، به گزارش کمیسیون مواد مخدر سازمان ملل متحد^{۱۴} در سال ۲۰۲۴، هم‌اکنون شاهد روی‌آوری بی‌سابقه به این قبیل جرایم در سراسر دنیا بوده و پاسخ‌های فعلی در قبال آن به‌طور جدی ناکارآمد ارزیابی شده و نیازمند تغییرات بنیادی و فوری در رویکردهای مقابله‌کننده با مواد مخدر و جرایم ناشی از آن است (The Lancet Global Health, 2025: 1). بنابراین، واقعیت آن است که رویکرد صرفاً کیفری و نگاه تنبیهی به جرایم خرید و فروش مواد مخدر هرگز به‌تنهایی راه‌حل کارآمدی نبوده و نتوانسته پاسخ مناسبی به پیچیدگی‌های این پدیده ارائه دهد. از این‌رو، ضرورت تصویب قوانینی که از هرگونه مجازات‌های شدید فاصله داشته باشند، باعث می‌شود افراد حمایت قانون‌گذار و کمک‌های آن‌ها را در صورت عدم ارتکاب این نوع جرایم در کنار خود احساس کنند. بر همین مبنا، اگر این نگرش به قانون‌گذار منتقل شود که حتی قوانین و ضمانت اجرای آن می‌توانند بر ارتکاب یا عدم ارتکاب جرایم تأثیرگذار باشند، با دقت و ریزبینی خاصی به اصلاح یا تصویب قوانین جدید در این حوزه خواهد پرداخت.

۲-۱-۲ شناسایی چالش‌های اجرایی پیشگیری وضعیت‌مدار از جرایم خرید و فروش مواد مخدر

به هر اندازه که قانون‌گذار در تدوین مقررات، چه از حیث محتوا و چه از نظر شکل و ساختار قانونی، عملکردی مطلوب و دقیق داشته باشد، در صورت فقدان نهادهای اجرایی کارآمد، آن قانون در عمل با موفقیت اجرا نخواهد شد. به عبارت دیگر، ناکارآمدی یک قانون در حوزه پیشگیری صرفاً به دلیل ضعف یا ابهام در متن آن نیست، بلکه عوامل دیگری همچون موانع اجرایی نیز می‌توانند زمینه‌ساز نادیده‌انگاشتن یا کنار گذاشته شدن آن قانون شوند. چالش‌های اجرایی در فرآیند پیشگیری از جرایم خرید و فروش مواد مخدر به مجموعه‌ای از مشکلات و موانعی اشاره دارد که حضور آن‌ها به‌طور مستقیم بر کارایی اقدامات اجرایی اثر می‌گذارد و در نهایت، میزان موفقیت یا ناکامی برنامه‌های پیشگیرانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پیشگیری از جرم در سال‌های اخیر به‌عنوان یکی از اولویت‌های سیاست‌گذاری‌های جنایی^{۱۵} مورد توجه قرار گرفته است. امر پیشگیری از جرم و انحرافات اجتماعی^{۱۶} مسئله‌ای نیست که یک قوه یا نهاد بتواند به‌تنهایی مسئولیت آن را بر عهده گیرد؛ بلکه موضوعی چندوجهی است که نیازمند مشارکت همه قواست (خالدیان و قهرمانی، ۱۴۰۱: ۲). پیشگیری وضعیت‌مدار از خرید و فروش مواد مخدر نیز بدون شک فراتر از توان یک نهاد به‌تنهایی است. بنابراین، سپردن تمام مسئولیت‌ها در این زمینه به نهادی مانند دادسرا می‌تواند نتایج معکوس به

¹⁴ United Nations Commission on Narcotic Drugs

¹⁵ Criminal policy

¹⁶ Social deviations

همراه داشته باشد، زیرا در یک دیدگاه عام، پیشگیری از جرایم مواد مخدر مستلزم همکاری مستمر میان هر سه قوه است و این قوا باید همواره در راستای هماهنگی هر چه بیشتر با یکدیگر فعالیت کنند.

علی‌رغم تمامی مزایا و منافعی که می‌توان برای پیشگیری وضعیت‌مدار در حوزه مقابله با جرایم خرید و فروش مواد مخدر برشمرد، اجرای این نوع سیاست‌ها با موانع و چالش‌های اساسی روبه‌رو است. فارغ از مشکلات تقنینی که پیشگیری وضعیت‌مدار با آن مواجه می‌شود، این رویکرد در بعد اجرایی نیز با طیف گسترده‌تری از چالش‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کند. چالش‌های اجرایی در این زمینه نه تنها متنوع‌تر، بلکه پیچیده‌تر از موانع قانونی هستند. پیشگیری وضعیت‌مدار از خرید و فروش مواد مخدر، پیش از آنکه صرفاً یک مسئله قانون‌گذاری باشد، ماهیتی اجرایی دارد؛ هرچند مجوزها، چارچوب‌ها و محدوده‌های آن توسط قانون تعیین می‌شود و مرز آن با دیگر انواع پیشگیری از طریق مقررات مشخص می‌گردد، اما با توجه به تعریفی که از این نوع پیشگیری ارائه شده، یعنی محروم ساختن افراد از فرصت ارتکاب جرم در همان لحظه وقوع، می‌توان دریافت که ماهیت آن در عمل بیشتر اجرایی است. از این‌رو، بخش عمده‌ای از دشواری‌ها و مشکلات موجود در مسیر تحقق پیشگیری وضعیت‌مدار، در مرحله اجرا و پیاده‌سازی نمود پیدا می‌کند (دینارونداد و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۷۶).

پدیده تداخل وظایف و اختیارات در میان دستگاه‌های مختلف سه‌گانه، هنگامی که در حوزه اجرای قانون مبارزه با مواد مخدر و پیشگیری وضعیت‌مدار قرار می‌گیرد، آثار بازدارنده جدی‌تری بر فرآیند انسجام‌بخشی و مدیریت پیشگیری دارد. جرایم خرید و فروش مواد مخدر، به دلیل ماهیت سازمان‌یافته و پیچیده خود، نیازمند هماهنگی دقیق میان نهادهای قضایی، انتظامی، اجرایی و نظارتی هستند. با این حال، تفاوت در منافع، رویه‌ها و اولویت‌های هر دستگاه سبب می‌شود که مرز وظایف در مرحله برنامه‌ریزی و اجرای راهبردهای پیشگیری وضعیت‌مدار از کنترل فیزیکی مرزها تا شناسایی شبکه‌های توزیع، خرید و فروش به‌طور چشمگیری دچار تداخل شود. چنانچه این وضعیت به‌موقع و به‌درستی مدیریت نشود، نه تنها برنامه‌های پیشگیرانه پیشین را دچار آسیب می‌سازد، بلکه به برهم خوردن تعادل میان قوا و ایجاد اختلال در عملکرد اشخاص و نهادهای مرتبط در حوزه خرید و فروش مواد مخدر نیز منجر خواهد شد (میرمحمدی، ۱۳۹۷: ۱۲۳). قانون مبارزه با مواد مخدر، به‌ویژه در اصلاحات اخیر خود، مکانیسم‌های اصلی پیشگیری وضعیت‌مدار مانند انسداد مسیرهای عرضه و فروش، تقویت نظارت‌های میدانی و ارتقای فناوری‌های کشف را در مواد ۴۳ و ۴۴ خود ذیل وظایف پیش‌بینی کرده است، اما اجرای این مکانیسم‌ها بدون وجود هماهنگی نهادی با مانع روبه‌رو می‌شود. برای نمونه، جایی که مأموریت اصلی یک دستگاه در سطح گسترده بر انسداد مرز متمرکز است و دستگاه دیگر بر کاهش فرصت‌های خرید و فروش در داخل کشور، نبود تبیین روشن نقش‌ها و مؤلفه‌های مذکور وضعیت‌مدار باعث هم‌پوشانی یا حتی خنثی‌سازی اقدامات یکدیگر می‌شود. این اختلالات نهایتاً سرعت واکنش و اثربخشی اقدامات پیشگیرانه وضعیت‌مدار را کاهش می‌دهد.

در کنار مکانیسم‌های اصلی پیشگیری وضعیت‌مدار از خرید و فروش مواد مخدر، مکانیسم‌های فرعی پیشگیری وضعیت‌مدار مانند تقویت سازوکارهای اطلاعاتی مسئولین مربوطه، پایش الگوهای خرید و فروش، شناسایی و مدیریت نقاط جرم‌خیز و کنترل محیطی به شکل مؤثر در قوانین مرتبط جلوه نیافته‌اند. با این حال، این مکانیسم‌ها نیز بیش از سایر حوزه‌ها در معرض تداخل سازمانی قرار دارند؛ زیرا هر یک از دستگاه‌ها، از نیروی انتظامی گرفته تا دستگاه‌های اطلاعاتی و نهادهای اجتماعی، بخشی از اطلاعات یا اقدامات میدانی را در اختیار دارند و عدم یکپارچگی این داده‌ها موجب کاهش دقت در پیش‌بینی و پیشگیری وضعیت‌مدار از جرایم خرید و فروش مواد مخدر می‌شود. در چنین شرایطی، حتی سیاست‌گذاری‌های مناسب نیز در مرحله اجرا کارکرد واقعی خود را از دست می‌دهند. تفکیک وظایف سازمان‌ها و قوای سه‌گانه دخیل در امور پیشگیری از جرایم مواد مخدر، به خصوص خرید و فروش آن، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا نخست، تقسیم مسئولیت‌ها به‌صورت مشخص انجام می‌گیرد و پیاده‌سازی هر بخش از کار به یک سازمان یا قوه معین و نهادهای وابسته به آن‌ها واگذار می‌شود. دوم، سازمان‌ها و نهادهای درگیر، دچار سردرگمی نخواهند شد، زیرا هر یک به‌وضوح می‌دانند مسئولیتشان در این زمینه چیست و با انجام تفکیک وظایف می‌توان اطمینان داشت که تمامی ابعاد و زوایای برنامه‌های پیشگیرانه وضعیت‌مدار از خرید و فروش مواد مخدر پوشش داده شده است؛ زیرا هیچ نهاد یا سازمانی

نمی‌تواند به بهانه فعالیت سازمان دیگر از زیر بار مسئولیت‌های خود شانه خالی کند. همچنین، روشن ساختن وظایف هر یک از افراد تا حد امکان موجب جلوگیری از بروز و تدوین برنامه‌های متعارض در سازمان‌های دیگر می‌شود (دیناروندرد و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۷۷).

رفع این چالش تا حد زیادی به اصلاح قوانین موجود در حوزه پیشگیری از جرایم مواد مخدر وابسته است. به بیان دیگر، بایسته است که قانون‌گذار با اتخاذ سیاست مشارکتی در پیشگیری وضعیت‌مدار از خرید و فروش مواد مخدر، فرآیند پیشگیری از این جرایم را تا حد امکان هدفمند سازد. هم‌افزایی و هماهنگی میان نهادهای مطابق با مؤلفه‌های اصلی و فرعی مذکور، می‌تواند نقطه آغاز دگرگونی اساسی در اقدامات پیشگیرانه مربوط به جرایم خرید و فروش مواد مخدر باشد؛ از این‌رو، در نهاد های گوناگون مانند شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم و ستاد مبارزه و پیشگیری از مواد مخدر باید برنامه‌های ملی پیشگیرانه بر پایه رویکردی راهبردی مشترک و با تکیه بر تعامل سازنده دستگاه‌ها با قوه قضائیه و دادسرا تنظیم گردد (کاظمی، ۱۳۹۹: ۱۱). همچنین در این زمینه می‌توان از دستاوردهای کشورهای دیگر بهره‌مند شد. بر اساس بررسی‌های انجام شده، کشور ترکیه در مقابله با انواع جرایم مرتبط با مواد مخدر از جمله عرضه آن، رویکردی مبتنی بر ساختاری چند نهادی اتخاذ کرده است که در آن وظایف مختلف میان دستگاه‌های گوناگون تقسیم شده و سازوکارهای هماهنگی ویژه‌ای برای تقویت هم‌افزایی میان آن‌ها پیش‌بینی شده است (Kurtoglu, 2024: 50).

۲-۲ فرصت‌های نهفته در بکارگیری مؤلفه‌های پیشگیری وضعیت‌مدار از جرایم خرید و فروش مواد مخدر

پیشگیری وضعیت‌مدار از خرید و فروش مواد مخدر در سال‌های اخیر به‌عنوان یکی از محورهای نوین سیاست‌گذاری جنایی مورد توجه قرار گرفته است. این رویکرد بر این مبنا استوار است که ارتکاب جرم تنها به انگیزه‌های فردی محدود نمی‌شود، بلکه به فرصت‌ها و شرایط محیطی نیز وابسته است. بنابراین، اتکا به مجازات یا اصلاح مجرمان بدون در نظر گرفتن زمینه‌ها و موقعیت‌های ایجادکننده جرم نمی‌تواند اثربخشی پایدار داشته باشد. قوانین و ساختارهای موجود در کشور، با وجود برخی محدودیت‌ها، ظرفیت‌های قابل‌توجهی برای بهره‌گیری از رویکردهای وضعیت‌مدار فراهم می‌آورند و می‌توانند بستر تقویت هماهنگی میان نهادهای مختلف را مهیا سازند.

در همین راستا، با بهره‌گیری هوشمندانه از ظرفیت‌های قانونی، ساختاری و فناورانه موجود، امکان استقرار یک نظام پیشگیری وضعیت‌مدار از خرید و فروش مواد مخدر فراهم می‌شود که نه تنها با کاهش فرصت‌های ارتکاب جرایم، بلکه با تقویت هماهنگی میان نهادها و تدوین برنامه‌های جامع و راهبردی، به ارتقای امنیت اجتماعی یاری می‌رساند. این مقدمه می‌تواند نقطه آغاز مناسبی برای واکاوی چالش‌ها، ظرفیت‌ها و راهکارهای عملی پیشگیری وضعیت‌مدار از خرید و فروش مواد مخدر باشد.

۲-۲-۱ بازاندیشی در فرآیند قانون‌گذاری پیشگیرانه جرایم خرید و فروش مواد مخدر با رویکرد وضعیت‌مدار

هنگامی که سخن از قانون و سازوکارهای آن مطرح می‌شود، شاید نخستین نکته‌ای که به ذهن خطور کند، میزان کارآمدی و اثرگذاری آن باشد. امروزه قانون و فرآیند قانون‌گذاری از وظایف حیاتی حکومت‌ها به شمار می‌روند، زیرا مردم هر جامعه انتظار دارند با تصویب قوانینی صحیح و متناسب با هنجارهای اجتماعی، جایگاه شایسته خود را در جامعه باز یابند. با توجه به وظایف و اختیارات مجلس شورای اسلامی به‌عنوان نهادی مستقل در کشور، ضروری است تمام توان خود را برای وضع قوانینی مؤثر به‌کار گیرد تا مصوبات پس از تصویب، به مقرراتی کم‌اثر یا بلااستفاده تبدیل نشوند. همچنین، وضع هر قانون از سوی قوه مقننه پیامدهای مختلفی در جامعه ایجاد می‌کند که پیش از تصویب وجود نداشته‌اند؛ از این‌رو، قانون‌گذار نیازمند نگرشی فراتر از نگاه

تک‌بعدی است و باید با بهره‌گیری از دیدگاه کارشناسان خبره و مرتبط، ضمن دریافت و سنجش مشورت آنان، وضعیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و محدودیت‌های موجود را ارزیابی کرده و فرآیند قانون‌گذاری را با دقت و تدبیر پیش ببرد.

با توجه به اهمیت بالای وجود قوانین مؤثر، می‌توان با طراحی و ایجاد سازوکارهای قانونی کارآمد در زمینه مبارزه با جرایم خرید و فروش مواد مخدر و در راستای برنامه‌های پیشگیرانه وضعیت‌مدار، تا حد قابل توجهی از وقوع جرایمی که منشأ آن‌ها مواد مخدر است، پیشگیری کرد. «با این حال، روی آوری به رویکرد های تنبیهی در طول تاریخ نه تنها بی اثر بلکه زیان بار بوده اند. دهه ها جرم انگاری نه تنها ارتکاب جرایم خرید و فروش مواد مخدر را کاهش نداده است، بلکه با مانع تراشی در مسیر پیشگیری، اپیدمی های جهانی ناشی از مواد مخدر نیز افزایش پیدا کرده است» (The Lancet, 2021: 1941). اجرای تدابیر پیشگیرانه وضعیت‌مدار در این حوزه، نیازمند مجموعه‌ای از قوانین متنوع و متعدد است که این ضرورت ناشی از عوامل اساسی گوناگون می‌باشد.

قوانین موجود نه تنها در تحقق فلسفه پیشگیری از جرایم خرید و فروش مواد مخدر ناکام مانده‌اند، بلکه در برخی موارد چنان کم‌اهمیت به نظر می‌رسند که علاوه بر بزه‌کاران بالقوه، برای مجریان قانون نیز فاقد اعتبار بوده و جایگاه شهروند قانون‌مدار یا مسئول متعهد را از آنان سلب می‌کنند. به عبارت دیگر، کلی‌گویی و ابهام در این قوانین سبب شده است که در هنگام اجرای برنامه‌های پیشگیرانه مربوطه، افراد مرتبط دچار تردید و سردرگمی شوند. از این‌رو، تدوین قوانینی روشن، دقیق و بدون اجمال، به‌ویژه در حوزه پیشگیری وضعیت‌مدار از جرایم خرید و فروش مواد مخدر، ضرورتی انکارناپذیر است؛ قوانینی که وظایف افراد را به‌صراحت مشخص کرده و اختیارات لازم را برای بهبود اقدامات پیش‌بینی شده اعطا نمایند. قانونی کارآمد در چارچوب پیشگیری وضعیت‌مدار، قانونی است که هم فرصت‌های ارتکاب جرم را محدود کند و هم شرایط ارتکاب آن را دشوارتر سازد. قانون، به‌عنوان ابزاری اساسی برای سازمان‌دهی نهادها و هنجارهای اجتماعی و تضمین نظم عمومی، نقشی حیاتی ایفا می‌کند. بنابراین، قانون‌گذار باید در فرآیند تقنین، همواره مؤلفه‌های پیشگیرانه وضعیت‌مدار را مدنظر داشته و قانونی شفاف طراحی کند که وظایف هر فرد را به‌طور بی‌ابهام و روشن بیان نماید.

بی‌تردید می‌توان در حوزه پیشگیری از جرایم فوق، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های ویژه‌ای که پیشگیری وضعیت‌مدار ارائه می‌دهد، مانند دشوارسازی ارتکاب جرم، شناسایی محلات و نقاط مستعد بروز جرایم مربوطه، بالا بردن هزینه ارتکاب جرم برای خریداران و فروشندگان مواد مخدر و سایر موارد موجود، اقدامات مؤثر و کارآمدی را سامان داد. بنابراین، تدوین و تصویب قانونی مبتنی بر اصول پیشگیری وضعیت‌مدار که نگرشی پیش‌نگرانه نسبت به مسئله دارد، می‌تواند علاوه بر ایفای نقش بنیادین در جلوگیری از گسترش جرایم خرید و فروش مواد مخدر، در صیانت از سرمایه‌های مختلف، از جمله سرمایه‌های اجتماعی، مالی و سایر منابع حیاتی نیز بسیار مؤثر و راهگشا باشد.

۲-۲-۲ بازشناسی فرصت‌های نظارتی و اجرایی در پیاده‌سازی مؤلفه‌های پیشگیری وضعیت‌مدار در

مواجهه با خرید و فروش مواد مخدر

تصویب و تدوین قوانین کارآمد در زمینه پیشگیری از خرید و فروش مواد مخدر بر پایه آموزه‌های پیشگیری وضعیت‌مدار به‌تنهایی کافی نیست؛ این مقررات زمانی به بالاترین سطح اثرگذاری خود خواهند رسید که اجرای آن‌ها تحت نظارت مستمر و دقیق قرار گیرد. وجود نهادهای نظارتی توانمند برای اطمینان از حسن اجرای قوانین و مقررات، از ارکان اساسی هر نظام حقوقی محسوب می‌شود. تشکیل چنین ساختارهایی به شهروندان اطمینان می‌دهد که قوانین به بهترین شکل اجرا شده و با هدف صیانت از حقوق عمومی طراحی شده‌اند. حضور این نهادها، ضمن تقویت بنیان‌های قانونی و ارتقای اعتماد عمومی نسبت به نظام اجرایی، آثار گسترده‌ای بر سلامت قضایی، حقوقی و اجتماعی جامعه بر جای می‌گذارد.

در عصر حاضر و در حوزه حقوق، بر ضرورت انطباق رفتار دستگاه‌ها و نهادها با استانداردهایی نظیر کارآمدی، شفافیت و به‌ویژه رعایت قوانین تأکید می‌شود. از این رو، دستگاه‌ها و سازمان‌های متعددی برای نظارت بر عملکرد این نهادها ایجاد شده‌اند تا موفقیت آن‌ها در دستیابی به این معیارها ارزیابی گردد. در نظام حقوقی کشور نیز انواع مختلفی از نظارت‌های درون‌دستگاهی و برون‌دستگاهی بر نهادهای اجرایی قوانین و مقررات بر اساس قوانین مختلف برقرار شده است. به‌طور ویژه، قوانین کشور تعدادی

نهاد نظارتی را تأسیس کرده‌اند که وظیفه اصلی آن‌ها نظارت بر سایر دستگاه‌ها به منظور بررسی میزان رعایت قوانین و استانداردهای تعیین‌شده در آن‌ها است. در رأس این قوانین، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد که بر اساس اصول مختلف، نهادهایی را طراحی و تأسیس کرده و وظایفی را برای آن‌ها مشخص نموده است؛ نهادهایی که در عرف حکمرانی کشور به عنوان دستگاه‌های نظارتی شناخته می‌شوند (افشار، ۱۴۰۳: ۲۵۷۵).

قوه قضائیه به‌عنوان نهادی مستقل و پاسدار حقوق فردی و اجتماعی، مسئولیت تحقق عدالت و انجام مأموریت‌های متعددی را بر عهده دارد که در قانون اساسی برای آن پیش‌بینی شده است. بر پایه بند ۳ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، یکی از وظایف اساسی این قوه نظارت بر حسن اجرای قوانین است. همچنین، مطابق بند ۵ همین اصل، انجام اقدامات لازم در راستای پیشگیری از وقوع جرایم نیز از جمله وظایف قوه قضائیه محسوب می‌شود. در این چارچوب، نظارت بر اجرای صحیح قوانین پیشگیرانه در حوزه جرایم مواد مخدر می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در اختیار این نهاد قرار گیرد. از این رو، اعمال نظارت قاطع و مستمر از سوی قوه قضائیه نقش بسیار مهمی در مقابله با خرید و فروش مواد مخدر ایفا می‌کند. بنابراین، ضروری است ابزارها و ظرفیت‌هایی که به موجب قانون اساسی در اختیار این قوه قرار گرفته، مورد بررسی قرار گیرد و راهکارهای متنوعی برای ارتقای کارآمدی نظارت آن ارزیابی و به کار گرفته شود. از این منظر، یکی از جنبه‌های مهم نظارت بر قوانین، نظارت از سوی قوه قضائیه است که در مهم‌ترین قانون کشور نیز به آن اشاره شده است. قوه قضائیه، به‌عنوان مهم‌ترین قوه در صیانت از حقوق آحاد جامعه، وظیفه خطیری در جهت نظارت و بررسی عملکرد نهادها و اشخاص گوناگون بر عهده دارد.

هنگامی که سخن از قوه مقننه به میان می‌آید، شاید نخستین وظیفه‌ای که در ذهن متبادر شود، همان قانون‌گذاری باشد؛ اما در واقعیت، افزون بر مسئولیت‌هایی که به موجب اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر عهده این قوه نهاده شده، وظایف دیگری نیز برای آن متصور است که از مهم‌ترین آن‌ها نقش نظارتی به شمار می‌رود. بعد نظارتی قوه مقننه را می‌توان از زوایای گوناگون بررسی کرد؛ به این معنا که این نظارت می‌تواند از طریق اقداماتی همچون طرح پرسش از وزیران، استیضاح آنان در صورت ضرورت، تشکیل کمیسیون‌های تخصصی پارلمانی و حتی در قالب فرآیند قانون‌گذاری جلوه‌گر شود و بدین ترتیب به‌عنوان یکی از ابزارهای مؤثر نظارتی قوه مقننه عمل نماید. یکی از سازوکارهایی که قوه مقننه می‌تواند به‌عنوان ابزار نظارتی از آن بهره گیرد، فرآیند قانون‌گذاری است؛ به این معنا که این قوه قادر است پیش از تصویب نهایی قوانین، با اعمال دیدگاه‌های تخصصی و کارشناسانه خود، بر محتوای آن‌ها نظارت کند. مجلس شورای اسلامی دارای صلاحیت عام در امر قانون‌گذاری است و می‌تواند در چارچوب اصول قانون اساسی نسبت به وضع قوانین در حوزه‌های گوناگون اقدام نماید. انجام این وظیفه در عمل نوعی نظارت حقوقی بر حوزه اجرایی و سایر بخش‌های کشور محسوب می‌شود که در مقایسه با سایر شیوه‌های نظارتی، شفافیت و کارآمدی بیشتری دارد. هرچند بخشی از موضوعات از طریق قوه مجریه و در قالب لوایح به مجلس تقدیم می‌شود، اما بررسی طرح‌ها و لوایح مستلزم اشراف کامل بر مسائل کشور است. بی‌تردید، چنانچه قوه مقننه بخواهد نظارتی دقیق و فراگیر بر اوضاع کشور داشته باشد و از تحولات آن آگاهی یابد، نیازمند نظام نظارتی گسترده و همه‌جانبه خواهد بود تا بتواند از ظرفیت قانون‌گذاری به بهترین شکل استفاده کرده و پاسخگوی نیازها و مطالبات جامعه باشد (کمال پندار، ۱۳۹۷: ۵۳).

نتیجه‌گیری

در مواجهه با بحران فراگیر جرایم خرید و فروش مواد مخدر، پیشگیری وضعیت‌مدار، افقی تازه و کاربردی برای نظام‌های حقوقی و کیفری گشوده است؛ رویکردی که برخلاف رهیافت‌های صرفاً کیفری، تمرکز خود را بر تغییر بسترها، موقعیت‌ها و شرایط ارتکاب جرم قرار داده و با هدف کاهش فرصت‌های بزهکاری، مسیر وقوع جرم را مختل می‌سازد. این رویکرد در بطن خود حامل منطق پیشگیرانه‌ای است که به جای برخورد پسینی با مجرم، بر تقلیل امکان وقوع بزه در نقطه شروع متمرکز است. چنین نگاهی، در مقام سیاست جنایی مؤثر، راه را برای واکنش‌های عقلانی، هوشمند و هزینه‌سنگین هموار می‌سازد. با گذر از دوران سیاست‌های سرکوب‌محور و مجازات‌های سنگین، رویکرد پیشگیری وضعیت‌مدار به‌عنوان یکی از خلاقانه‌ترین رهیافت‌های جرم‌شناختی، توانسته نگاه سیاست‌گذاران را به سمت موقعیت جرم و نه صرفاً مجرم، معطوف کند. در این چارچوب، کنترل محیط، تقویت

نظارت، محدودسازی دسترسی‌ها و طراحی فضاهای عمومی ایمن، ابزاری مؤثر برای مختل‌سازی فرآیند ارتکاب جرم محسوب می‌شوند. این بینش، در حوزه جرایم خرید و فروش مواد مخدر اهمیت مضاعفی دارد، زیرا این جرایم بیش از آن که محصول اراده فردی باشند، تابع شرایط، موقعیت‌ها و بی‌نظمی‌های محیطی‌اند. با این حال، بررسی وضعیت موجود در ایران نشان می‌دهد که قوانین کنونی، هرچند دارای اجزای پراکنده‌ای از مؤلفه‌های پیشگیری وضعیت‌مدار هستند، اما فاقد انسجام مفهومی، انسداد قانونی روشن و کاربست ساختاری این رویکرد به عنوان یک راهبرد کلان‌اند. سلطه رویکرد کیفرمحور، فقدان سازوکارهای مشخص نظارتی و تداوم نگاه مجازات‌محور، موجب شده‌اند که فرصت‌های بالقوه پیشگیری وضعیت‌مدار مغفول بماند و در نتیجه، چرخه تکرارشونده بزهکاری در حوزه مواد مخدر همچنان بازتولید شود.

برای حرکت به سوی یک سیاست پیشگیری وضعیت‌مدار واقعی، باید قانون‌گذاری از حالت تجویزی صرف خارج شده و به فرآیندی چندمرحله‌ای و مشارکتی تبدیل شود؛ فرآیندی که در آن نه تنها نهادهای تقنینی، بلکه نهادهای اجتماعی، مدیریتی، فناوری و حتی جامعه مدنی نیز در طراحی قواعد پیشگیرانه نقش داشته باشند. این مدل ترکیبی، قانون‌گذاری را از شکل خطی سنتی به سازوکاری چندوجهی ارتقاء می‌دهد که در آن تجربه‌گرایی و تعامل بین نهادهای اصلی اساسی است. تحلیل دقیق مواد قانونی موجود به روشنی نشان می‌دهد که خلاء تقنینی در زمینه مدیریت فرصت‌های جرم‌زا، مهم‌ترین مانع در مسیر استقرار پیشگیری وضعیت‌مدار است. قوانین موجود در این حوزه تاکنون کمتر به مؤلفه‌هایی چون کاهش دسترسی، افزایش خطر ارتکاب و دشوارسازی شرایط وقوع جرم در محیط‌های جرم‌خیز توجه کرده و در نتیجه، ابزارهای موقعیت‌محور در اجرا ناکارآمد باقی مانده‌اند.

برای عبور از این بن‌بست، طراحی قوانین شفاف، دقیق و متناسب با ویژگی‌های محیطی و اجتماعی جامعه ضروری است. از سوی دیگر، اجرای موفق پیشگیری وضعیت‌مدار، بدون یک نظام نظارت مؤثر و فراگیر، ممکن نخواهد بود. در همین راستا، تقویت نقش نظارتی قوه قضائیه و قوه مقننه به عنوان نهادهای ناظر بر حسن اجرای قوانین و تضمین پاسخگویی نهادهای اجرایی، باید به یک اولویت راهبردی تبدیل شود. این نظارت می‌تواند از مسیرهایی همچون تفسیر موسع از اختیارات دادستان‌ها، تشکیل کمیسیون‌های تخصصی در مجلس و بهره‌گیری از ابزارهای نظارت پارلمانی، تحقق یابد. در زمینه نظارت، باید قائل به یک تحول مفهومی بود؛ به‌ویژه اینکه نظارت نباید صرفاً به معنای کنترل پسینی بر اجرای قوانین باشد، بلکه باید در دل فرایند تدوین، اجرا و ارزیابی قوانین حضور فعال داشته باشد. نظارت بر مؤلفه‌های پیشگیرانه وضعیت‌مدار نیازمند ساختارهایی هوشمند و پویاست که ضمن برخورداری از اقتدار قانونی، توان تحلیل و ارزیابی میدانی داده‌ها را نیز داشته باشند.

در نهایت، گذار از سیاست واکنشی به سیاست پیشگیرانه وضعیت‌مدار، نیازمند اجماع گفتمانی، تحول در نگاه حاکم بر قانون‌گذاری، سرمایه‌گذاری هوشمندانه و مشارکت فراگیر اجتماعی است. اگر بتوان در سیاست‌های مبارزه با خرید و فروش مواد مخدر، پیشگیری وضعیت‌مدار را به‌عنوان یک بنیان فکری و نه صرفاً یک ابزار عملیاتی در نظر گرفت، آنگاه می‌توان به آینده‌ای امیدوار بود که در آن نه با مجازات، بلکه با مدیریت محیطی، داده‌محوری و همکاری نهادهای، چرخه جرم در نطفه متوقف گردد. آینده مقابله با جرایم مذکور مواد مخدر، نه در سالن‌های دادسرا و دادگاه، بلکه در مهندسی فضاها، برنامه‌ریزی شهری، سیاست‌گذاری داده‌بنیان و آموزش پیشگیرانه وضعیت‌مدار رقم خواهد خورد.

پیشنهادهای

۱- بازطراحی قوانین با رویکرد محیط‌محور و موقعیت‌مدار: بازطراحی قوانین با رویکرد محیط‌محور و موقعیت‌مدار نیازمند فراتر رفتن از نگاه سنتی قانون‌گذاری و توجه دقیق به ویژگی‌های محیط‌های جرم‌زا است. جرایم مواد مخدر می‌توانند در فضاهای شهری، مناطق دورافتاده، منازل شخصی، وسایل حمل‌ونقل عمومی و حتی در فضای مجازی رخ دهند و هر یک الزامات قانونی خاص خود را دارند. از این رو، قوانین باید به‌صورت اختصاصی و متناسب با محیط و شرایط وقوع جرم تدوین شوند تا فرصت‌های ارتکاب جرم کاهش یافته و موانع قانونی برای بزهکاران ایجاد شود. علاوه بر آن، بازطراحی قوانین باید شامل تعریف دقیق اختیارات و مسئولیت‌های نهادهای اجرایی و قضائی نیز باشد. هر قانون باید روشن کند که چه نهادی در چه شرایطی مسئول اقدام و نظارت است و چه سازوکارهایی برای جلوگیری از خلأ اجرایی وجود دارد.

۲- ایجاد ساز و کار های نظارتی چند لایه و تخصصی: اجرای مؤثر قوانین پیشگیرانه وضعیت مدار مستلزم ایجاد سازوکارهای نظارتی چندلایه و تخصصی است که بتوانند هم کارایی و دقت اقدامات پیشگیرانه را تضمین کنند و هم بازخورد مستمری برای اصلاح قوانین فراهم آورند. نهادهای نظارتی باید توانمندی لازم برای پایش رفتار دستگاههای اجرایی، ارزیابی میزان رعایت قوانین و شناسایی خلأهای عملیاتی داشته باشند. این نهادها می توانند شامل سازمان های مستقل بررسی عملکرد نهادها، کمیسیون های تخصصی پارلمانی، و واحدهای ارزیابی داخلی در دستگاه های اجرایی باشند. چنین نظامی از نظارت مستمر، باعث افزایش شفافیت، کاهش خطاهای اجرایی و ارتقای اعتماد عمومی به نظام حقوقی خواهد شد و هم زمان امکان اصلاح قوانین و سیاست ها بر اساس داده ها و شواهد میدانی را فراهم می کند.

۳- تدوین شاخص های ارزیابی و اصلاح مستمر قوانین: یکی از مهم ترین مؤلفه ها در ارتقای کارآمدی قوانین پیشگیرانه وضعیت مدار در حوزه جرایم مواد مخدر، تدوین شاخص های دقیق و علمی برای ارزیابی عملکرد قوانین است. این شاخص ها باید شامل معیارهای کمی و کیفی باشند تا بتوانند ابعاد مختلف اثربخشی قوانین را به صورت ملموس و قابل سنجش منعکس کنند. شاخص های کمی می توانند شامل نرخ کاهش وقوع جرایم، میزان کشفیات، تعداد مراجعات قضائی و میزان شناسایی نقاط جرم زا باشند، در حالی که شاخص های کیفی می توانند به جنبه هایی مانند رضایت عمومی، شفافیت فرآیند اجرای قوانین، انسجام میان نهادهای مسئول و میزان تطابق اقدامات پیشگیرانه با شرایط محیطی اشاره کنند. طراحی چنین شاخص هایی نه تنها امکان پایش مستمر عملکرد قوانین را فراهم می کند، بلکه بازخورد لازم برای اصلاح و بهبود سیاست های قانونی را در اختیار قانون گذار و مجریان قرار می دهد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی:

- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۵). پیشگیری در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲: چرایی، چیستی و چگونگی. *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، (۷۸).
- ابراهیمی، شهرام و احسان شریعتی. (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی راهبرد های پیشگیری از جرایم مرتبط با مواد مخدر. *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، ۱۹(۷۳). DOI: 10.22034/cps.2025.1278504.1660
- ابراهیمی، شهرام و حامد صفائی آتشگاه. (۱۳۹۴). رویکرد قانون گذار به پیشگیری از جرم در قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد. *پژوهش نامه حقوق کیفری*، ۲(۶).
- افشار، سجاد. (۱۴۰۳). جایگاه نظارتی سازمان بازرسی کل کشور نسبت به رعایت حسن جریان امور. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران*، ۴(۵۴). DOI: <https://doi.org/10.22059/jpls.2023.347032.3162>
- بابایی، محمد علی و علی نجیبیان. (۱۳۹۰). چالش های پیشگیری وضعی از جرم. *مجله حقوقی دادگستری*، ۷۵(۷۵). DOI: 10.22106/ijl.2011.11079
- بهمنی فر، مصطفی. (۱۴۰۳). پیرامون قانون مبارزه با مواد مخدر، جرایم حوزه مواد مخدر. *فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه*، ۳(۱۰).
- پندار، کمال. (۱۳۹۷). *جایگاه قانون گذاری قوه مقننه در حقوق ایران*. چاپ اول. تهران: انتشارات قانون یار.
- پورایمان، آرش. (۱۴۰۳). پیشگیری وضعی از ارتکاب جرایم منافی عفت. *فصلنامه مطالعات حقوقی*، ۶(۴۰).
- خالدیان، کوثر و آذین قهرمانی. (۱۴۰۱). نقش قوای سه گانه در پیشگیری از وقوع جرم. ارائه شده در پنجمین کنفرانس بین المللی و ششمین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی، تهران.
- خوش سلوک، مهران. (۱۴۰۴). اثربخشی قانون پیشگیری از وقوع جرم و راهکارهای اجرایی پیشگیرانه در کاهش جرم. *دانشنامه علوم انسانی*، ۲(۲).
- دیناروند، علی، سمیرا گل خندان و اکبر رجبی. (۱۴۰۱). چالش های اجرایی پیشگیری وضعی از جرم و راهکار های مواجهه با آن. *ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران*، ۵(۴).
- سعیدی راد، مهناز. (۱۳۹۶). *چالش های پیشگیری وضعی از جرم*. چاپ اول. تهران: انتشارات مجد.
- شیر، عباس. (۱۳۹۶). نقد و بررسی قانون پیشگیری از جرم مصوب ۱۳۹۴/۶/۷. *نشریه علمی تخصصی رهیافت پیشگیری*، ۱۱(۱).
- صادقی، آزاده. (۱۴۰۲). فهرست بندی مواد مخدر و روانگردان در نظام عدالت کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا. *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۷(۱۲۱). DOI: 10.22106/ijl.2022.549336.4712
- عظیم زاده، شادی و گلاویز شیخ الاسلامی. (۱۴۰۳). *کمک حافظه بایسته های جرم شناسی (از مبانی تا نظریه ها)*، چاپ چهارم. تهران: انتشارات دوراندیشان.

- کاظمی، مائده (۱۳۹۹)، بررسی و اهمیت جایگاه سه قوه در پیشگیری از جرم و آسیب های اجتماعی. ارائه شده در سومین همایش ملی آسیب های اجتماعی، تهران.
- کرباسچی، علی و امید دلاوری. (۱۳۹۸). بررسی چالش های حقوق کیفری در جرایم مواد مخدر در ایران. *فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی همدان*، (۲۱)۶.
- کوهی اصفهانی، کاظم و حسن بیگدلی. (۱۴۰۴). فراترکیب عوامل مؤثر بر سیاست گذاری و قانون گذاری در حوزه پیشگیری وضعی از جرم. *پژوهش نامه حقوق اسلامی*، ۳(۶۹). DOI: 10.22034/jlvi.2025.2051500.1314
- گودرزی، محمود. (۱۴۰۰). *پیشگیری وضعی از جرم*. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.
- گوهر جمشیدی، اصغر. (۱۴۰۴). پدیده استعمال مواد مخدر در دانش آموزان: تحلیل فقهی مجازات های حدی حبس، جلد و ناسازگاری آن با رویکرد های تربیتی کاهش آسیب. *نشریه علمی اختصاصی حقوق اشراق*، ۴(۱۲).
- محمدنسل، غلامرضا. (۱۴۰۳). *کلیات پیشگیری از جرم*. چاپ پنجم. تهران: نشر میزان.
- موسوی مجاب، سید درید و رسول احمد زاده و سینا رستمی. (۱۳۹۹). واکاوی سیاست جنایی قانون گذار در ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر. *آموزه های حقوق کیفری*، ۱۹(۱۷).
- میرمحمدی، سید محمد. (۱۳۹۷). *همه‌نگی و تنظیم روابط بین قوا (مفاهیم، چالش ها و راهکارها)*. چاپ اول. تهران: انتشارات نگاه دانش.
- نیازپور، امیرحسن. (۱۴۰۲). *پیشگیری از جرم*. چاپ دوم. تهران: نشر دادگستر.
- (ب) منابع خارجی:
- Ceccati, Vania and Loannis Loannidis and Mia-Maria Magnusson. (2023). Searching for Situational in Cannabis Dealing, Possession and Use in a Scandinavian Context, *Scientific Articles*, 3(3). DOI:10.1007/s43576-023-00095-0
- Ciuca Anghel, Daniela-Maaliba and Gabriela Violele Nitesca and Andreea-Taisia Tiron and Claudia Maria Guta and Dabiela Baconi. (2023). Understanding the Machanisms of Action and Effects of Drugs of Abuse. *Molecules*, 2(3). Doi: 10.3390/molecules28134969.
- Feltmann, Kristin and Johanna Gripenberg and Anna K. Strandberg and Tobias H. Elgan and Pia Kvillemo. (2021). Drug dealing and use prevention – a qualitative interview study of authorities perspectives on two open drug scenes in Stockholm. *Substance Abuse Treatment, Prevention, and Policy*, 16(37). DOI: 10.1186/s13011-021-00375-w.
- Griffin W. Kenneth and Gilbert J. Botvin and Lawrence and Christopher Williams. (2023). Long-term behavioral effects of a school based prevention program on illicit drug use among adults. *Journal of Public Health Reasearch*, 12(1). DOI: 10.1177/22799036221146914.
- Jon Hilmen, Sebastian. (2024). Situational Crime Prevention, Advice Giving, and Victim Blaming. *Philosophia*, 52. DOI:10.1007/s11406-024-00729-1.
- Kurtoglu, Gazi Levent. (2024). Anti-Drug Supply Polices: Inter-Institutional Coordination and Action Plans. *Emanate – Highights from the drug abuse and addiction studies*, 50. DOI:10.70020/ehass.2024.7.6.
- The Lancet Global Health. (2025). Harm reduction must replace punitive drug policies. *The Lancet Global Health*, 13(1). DOI: 10.1016/S2214-109X(24)00525-4
- The Lancet. (2023). Drug decriminalization: grounding policy in evidence. *The Lancet*, 402(10416). DOI: 10.1016/S0140-6736(23)02617-X